

اوامر و نواهی ششصد و سیزده‌گانه تورات «تریگ میصوت»

طبق سنت حفظ شده در تلمود به‌طور کلی تورات دارای ۶۱۳ فرمان است که به دو گروه اوامر (میصوت عسه) و نواهی (میصورت لُتعهه) تقسیم شده است. در قرن سوم عالمی از ارض مقدس به نام ربی سیملائی که بازگو کننده این سنت قدیمی است می‌گوید: «۶۱۳ فرمان در کوه سینای به حضرت مشه متجلی شد ۳۶۵ فرمان که مطابق روزهای سال خورشیدی نهی و ۲۴۸ فرمان امر بود که برابر با اعضای بدن انسان است». (تلمود بابلی، رساله مکوت، صفحه ۲۳) عدد ۶۱۳ در زبان عبری به حساب ابجد «تریگ» گفته می‌شود.

(تاو = ۴۰۰. رش = ۲۰۰. یود = ۱۰. گیمل = ۳). این روش تقسیم بندی بسیار سوال انگیز و قابل بحث است و از زمان‌های دور درباره جزئیات آن کتب و رسالات فراوان نوشته شده است که طرح آن خارج از چهار چوب کار ماست.

در بین یهودیان عقیده و ایمان دیگری رایج بود و آن اینکه تورات (پنج کتاب حضرت موسی) الهام و گسترشی از ده فرمان الهی بوده و سایر فرامین را توضیحات و توجیهاات منشعب شده از آن می‌دانستند که آنها نیز در سینای بر حضرت موسی نازل شدند.

در دوران بعد بر پایه این ایمان کوشش به عمل آورده شد تا فرامین گروه بندی و ردیف بندی شوند. این اهتمام باعث به‌وجود آمدن نوعی ادبیات منظوم مذهبی به نام «ازهاروت» گردید. «ازهاروت» یعنی احتراز، اختار و یا زنهار، به معنای تنبیه نیز آورده شده است. طبق نظریه دیگر ازهاروت «به حساب ابجد با تریگ» یعنی ۶۱۳ یکی

است (الف = ۱. زعین = ۷. رش = ۲۰۰. تاو = ۴۰۰). به عبارت دیگر ازهاروت اشعار منظومی به زبان عبری می‌باشند

که مقصود آنها برشمردن ۶۱۳ (تریگ) اوامر و نواهی تورات است.

اشعار منظوم مذهبی را در زبان عبری «پیوط» می‌گویند. این نوع اشعار از ۱۷۰۰ سال پیش در بین یهودیان ساکن

یهودیه شایع و رایج بوده است. علمای بزرگی چون ربی یهودا هناسی (مولف میشنا) ربی الیعزر و ربی شیمعون

جزو شعرای «پیوطیم» ذکر شده‌اند. اما دوران شکوفایی این نوع اشعار بعد از اختتام تالیف تلمود است. در قرن

هفتم این هنر با «یوسی بن یوسی» و «ینای» دو شاعر بسیار عالی‌مقام ارض مقدس به حد کمال و بیان و زیبایی،

گسترش و ارتقاء می‌یابد.

این نوع اشعار مذهبی در کنیساها بعد از خاتمه «تفیلا» خوانده می‌شد و به مرور زمان «پیوط» راه خود را در متن

«تفیلا» نیز باز کرد. «ازهاروت» نوشته شده برای ایام کیپور و خصوصاً شاوووعوت که عید اعطای تورات است از

مهمترین بودند و با وجود مخالفت بعضی از رهبران مذهبی زمان، جایی بسیار محکم در قلب نمازگزاران یافتند.

در عید شاوووعوت که روز اعطای ده فرمان است موقعیت مناسبی است تا سایر فرامین نیز قرائت و اهمیتشان

تاکید گردد. بنابراین شعرای یهود در ازمنه مختلف هر یک به فراخور بضاعت و توشه معنوی خود سعی داشته‌اند

«ازهاروت» را به رشته تحریر درآورند. نه تنها در سرزمین مقدس بلکه در سایر ممالکی که یهودیان ساکن بودند،

مانند اسپانیا و عراق و ممالک افریقای شمالی شعرای یهود طبع و قدرت خود را در این زمینه آزموده‌اند. از

مهمترین شعرای اسپانیایی ربی شلمو بن گیبرول (۱۰۶۵-۱۰۲۶) است که «ازهاروت» منظوم او در شاوووعوت

خوانده می‌شوند.

در بین شعرای یهودی ایرانی نیز بنیامین بن میثائل «ازهاروت» ابن گبیرول را به نظم کشیده‌است. قبل از او شموئیل بن پیراحمد کاشانی به سال ۱۶۸۱ «ازهاروت» را با نام «احترازنامه» تنظیم کرده است که به نظر خوانندگان می‌رسد.

شموئیل بن پیراحمد کمتر تابع ردیف‌های نظمی گبیرول است. اما اشعارش ملهم از کار اوست.

تورات عزیز درس قدسی	آمد به جهان دست موسی
عبری همه گشت مالک آن روز	در ماه سیوان ولی ششم روز
ای خالق عرش و فرش و هستی	هم پایه و طاق را تو بستنی
چون یاری ز تو مدد نداریم	آن به که زبان فرو گذاریم
بر طور چه نور خود نمودی	زنگ از دل جمله‌مان زدودی
آن شرع چون رسید به پایان	گشتی تو خدای ناخدایان
آن دم که کلام حق شنیدند	هر یک به ویرانه‌ای دویدند
از وهم و نشاط آن شتابان	مانند غزال در بیابان
انگه که ز لطف پرده بگشود	صد گونه عجایبات بنمود
از روی محبت آن خداوند	با امت خود نمود پیوند

تورات حبيب خواص معبود	کز وی شده کائنات موجود
مقصود بودش انکه تاج توره	بر قوم عزيز بخشد او را
ده قول و کلام حق بفرمود	است چه ز ده دو قول بشنود
طاقت چو نبود عبريان را	ان هشت دگر بگفت موسى
ان ده که خلاصه يقين است	اول تو بدان يکيش اين است
گفتا که منم خدای موجود	اندر بر من مدار معبود
امر دويم انکه ای هنرور	سازنده بت مشو چو اذر
نه شکل کواکبان افلاک	نه صورت طير وحش اين خاک
در قول سوم چه بی شکن گفت	ان دم که جواهری سخن سفت
سوگند دروغ و هرزه ناگاه	زنهار مخور به نام اله
گفتار چهارمين جبار	شبات مرا به جان نگاهدار
سبت از همه کارها بيايد	ازار و جفا از او نشايد
فرموده دگر به پنجمين امر	خواهی که دراز گردد عمر
در عزت مام و باب خود کوش	پندی که دهند به جان تو بنيوش
قول ششمين چنين رقم زد	بر لوح زمردين قلم زد

بیهوده مکش کسی به شمشیر

غره به ستم مشو چنان شیر

هفتم ز کلام خواص رحمان

فرموده مخور فریب شیطان

در فعل زنا مشو گنهکار

هشتم نشوی چه دزد و مکار

فرموده دگر خدای داور

قول نهمین به قوم عبر

خواهی نکشی تو بس خجالت

کذاب مباش در شهادت

امر دهمین و قول یزدان

بر مال کسی نشو تو پیچان

از رشک مشو به کس حسد بیش

کز غصه دل تو می شود ریش

ان گاه که تمام شد کلامات

ان قوم شدند ز قدرتش مات

موسی کلیم را در ان دم

گفتند چنین بگو به اکرم

گشتیم مطیع امر جبار

پاسخ بیر این چنین بسپار

یک یک همه را قبول داریم

فرمان تو را به جان گذاریم

اکنون به جماعتان عبر

واجب شده انکه جمله یک سر

افعال خدای خود بیابیم

فرمان ترا به دل شتاییم

ای حی قدیم خواص یکتا

از لطف بگیر دست ما را

برکش ز میان چاه غفلت

اباد کن ان سرای دولت

به سفلی، فیض علوی آشنا کرد	به نام انکه عالم را بنا کرد
که پیشش جملگی بودند موجود	به ابراهام و اسحق و یعقوب
ولی موسی از ایشان بهتر آمد	چو ایشان هیچ پیغمبر نیامد
به میرائی به ما تورات بخشید	به کوه طور نورش را درخشید
بداد بر دست موسی ابن عمران	به قومش ششصد و سیزده فرمان
سخن دان شاعری بس نکته ارای	یکی صاحب دلی برخاست از جای
تمامی را به موزون نظم درآورد	شلمو نام پیتان ^۱ جوانمرد
همی زد غوطه وز موجی نترسید	به هودا ^۲ بحرها را می نوردید
به میصوت عسه مان ^۳ آشنا کرد	اول بار از «شمور لیبی» بنا کرد
درسی چند عقد فرمود از معسه	بصل شدی گفت او لوتعسه ^۴
وتده دارد یکی با چار تحریک	به هر مصرع از او دور و نزدیک
بود روح و روانش جاودان شاد	هزاران رحمت یزدان بر او باد
به نظم آورد ورا اکنون شموئل	به عون ^۶ ذوالجلال و یمن گوئل ^۷

1- شاعر
 2- با تشکر
 3- اوامر
 4- نواهی
 5- میخ
 6- کمک
 7- نجات دهنده

یکایک جمله را چون در شهوار

به لفظ فارسی و توفیق جبار

راو داوید شوفط